



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۲/۱۵



ناصر اوریا

## عُقَابِ مَغْرور



درست سی سال قبل از امروز به تاریخ ۱۱ فبروری ۱۹۸۸  
سرو بلند دانش و فلسفه را ریشه بریدند.

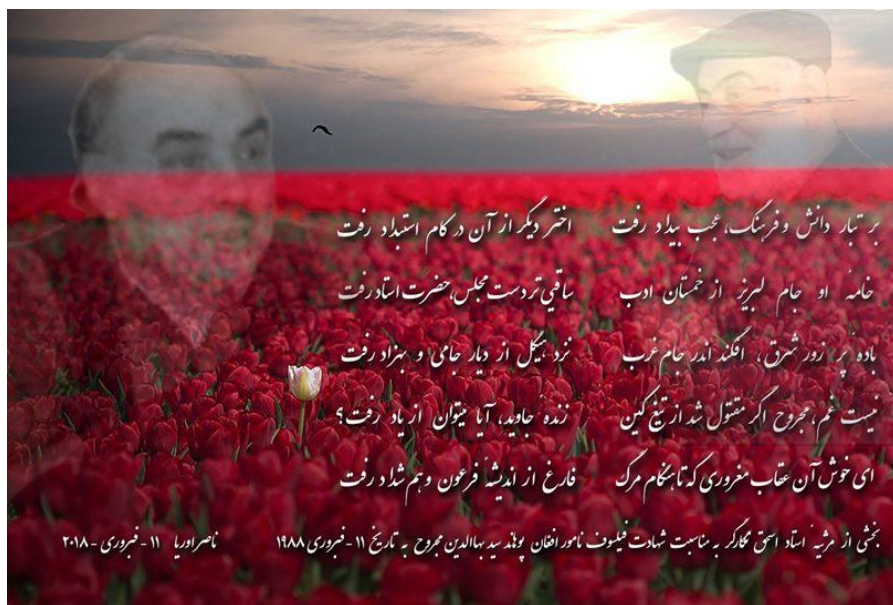
مرثیه عارف عالیقدر افغان جناب استاد اسحاق نگارگر به مناسبت شهادت دانشمند و فیلسوف بی بدیل افغان پوهاند سید بهالدین مجروح که به تاریخ ۱۱ فبروری ۱۹۸۸ از طرف جهال به دستور اجنبی ها در پیشاور به قتل رسید. کاپی از صفحه استاد بزرگوار م. اسحاق نگارگر

## عُقَابِ مَغْرور

بر تبار دانش و فرهنگ، عَجَب بیداد رفت	اختری دیگر از آن در کام استبداد رفت
خامه او جام لبریز از خُمستان ادب	ساقی تردستِ محفل حضرتِ اُستاد رفت
بر لب خندان او بشکست رنگِ زندگی	عندلیب خوشنوا از شاخه شمشاد رفت
کوفت عُمری، تیشه همت به فرق ازدها	حیف اگر از بیستون معرفت فرهاد رفت
"رهنورد نیمه شب" از بانگ نی سرمست بود	همچو سرو، از گلشن ویران ما آزاد رفت
در "دیار بیخودی" چنگ از نوا افتاده بود	تا به شورش آورد، صاحبِ دل فرزند رفت
سال ها "صاحبِ دل دیوانه" با دیو خودی	گرم پیکار و ستیز آهنگ و پُر فریاد رفت
"مارگیرای" تعصب را به مردی سر بکوفت	تیغ خود را آبدار از خون نمود و شاد رفت
وه! از آن فرخنده آغاز و خجسته عاقبت	گوهری در رودبارِ مستِ سعد آباد رفت
باده پُر زور شرق، افگند اندر جام غرب	نزد هیگل، از دیارِ جامی و بهزاد رفت

مونسِ شب های تارش بود بانگِ مولوی      رفت اندر کسوتِ لاهوتیانِ حمّادِ رفت  
 "سبز پوشی" از دیارِ "بامدادِ عشق" بود      فیلسوفِ شاعر و مردِ خرد بنیادِ رفت  
 نیست غم، مجروح اگر مقتول شد از تیغِ کین      زنده جاوید آیا می توان از یاد رفت؟  
 ای خوش آن عُقابِ مغرورِی که تا هنگامِ مرگ  
 فارغ از اندیشهٔ فرعون و هم شَدّادِ رفت  
 نگارگر

پیشاور - 13 فروری 1988



عقابِ مغرور  
[Naser\\_ouriya\\_oqaab\\_e\\_maghroor.pdf](#)